

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه هفتاد و سوم 96/12/19

آشنایی با فرق کلامی اهل سنت (39) – آشنایی با مبانی کلامی وهابیت

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله

بحث ما در رابطه با سخنان بن جبرين بود ايشان گفتند شيعه به چهار دليل كافر است دليل اول بحث تحريف قرآن بود، دليل دوم ايشان طعن شيعه نسبت به سنت و احاديث صحيحين بود گفتند شيعه به سنت و احاديث صحيحين عمل نمي‌کنند به خاطر اين‌که روايات صحابه است و از دیدگاه شيعه صحابه، همه كافر هستند.

صحابه بعد از رحلت پيامبر صلی الله عليه واله وسلم جز سه نفر همه كافر شدند اين را مفصل بحث كرديم، و گفتيم قضيه

«ارتد الناس بعد رسول الله إلا اربعة»

همه اين‌ها حرف‌ها بی اساس است که مراد از ارتداد، ارتداد از اسلام نيست به اضافه اين‌که خود شما هم همين تعابير را داريد. بعد مطرح كرديم عقیده شيعه نسبت به صحابه چيست؟

در اين‌جا مفصل صحبت شد گفتيم در اين زمينه بايد بيشتر روي اين موضوع بحث بشود که اصلا عقیده شيعه نسبت به صحابه چيست؟ ما رواياتی از ائمه عليهم السلام نسبت به صحابه منتجبين آوردیم که درود می‌فرستند از علما و بزرگان آوردیم که اين‌ها به صحابه صلوات و درود می‌فرستند. البته صلوات بر صحابه‌ی

منتجبین و صحابه‌ای که مطهر و منتجب هستند این‌ها را کاملا و من جمیع جهات قبول داریم. از آن طرف عرض شد طبق نظر امام صادق علیه السلام دوازده هزار صحابه را دور از انحراف می‌دانیم.

این‌ها گفتند ما به روایات صحابه عمل نمی‌کنیم - این را هم دقت داشته باشید خیلی از جاها به کارتان می‌آید - مرحوم شیخ طوسی در رجال‌شان چهار صد و شصت و هشت نفر از صحابه را آورده که این‌ها عمدتا در اسانید کتب روایی شیعه قرار گرفته‌اند. این‌ها می‌گویند:

«لا یروون عن الصحابة»

این با واقعیت نمی‌سازد یا این‌ها جاهل هستند و خبر ندارند یا می‌دانند و معاند هستند، شما کتاب رجال شیخ طوسی را که باز کنید فصل اول کتاب ایشان مربوط به صحابه است. دقیقا چهار صد و شصت و هشت نفر از اصحاب نبی مکرم صلی الله علیه و اله وسلم را آورده است، بعضی‌هایشان توثیق دارند، و بعضی‌هایشان توثیق ندارند ولی این‌ها کسانی هستند که ما در اسانید کتب روایی مان داریم.

مرحوم علامه حلی دویست نفر از صحابه را که توثیق شده‌اند آورده است، خیلی جالب است علامه حلی رجالش دو قسم است، قسم اول روات معتمد علیه است، روایانی که ما اعتماد داریم و به روایات‌شان عمل می‌کنیم. در همان قسم اول دقیقا دویست نفر از صحابه را آورده است، این باید روشن بشود که شما می‌گویید شیعه از صحابه روایت نمی‌کنند، چون معتقد هستند کافر هستند، پاسخ این کتاب‌های روایی را چه می‌دهید؟ این‌ها کتاب‌های رجالی شیعه است، مال دیروز و امروز هم نیست، شیخ طوسی 460 از دنیا رفته و علامه حلی 726 از دنیا رفته است.

بنده کتاب تنقیح المقال مامقانی را مطالعه کردم تمامی صحابه‌ای را که ایشان یا توثیق کرده و یا مدح کرده است چون برای ما فرقی نمی‌کند اگر راوی ثقة باشد روایت او را صحیح می‌دانیم اگر راوی ممدوح باشد روایت

او را حسن می‌دانیم. هم به روایت حسن و هم به روایت ممدوح عمل می‌کنیم، مرحوم مامقانی چهار صد و سی و چهار نفر از صحابه را آورده و این‌ها را ثقة و یا ممدوح دانسته است.

این‌ها هم کاری است که خود من با توجه به درگیری‌هایی که با این‌ها داشتم مخصوصاً در آن بحث‌هایی که با دکتر غامدی در مکه مکرمه داشتم، مجبور شدیم که روی این‌ها کار نکنیم.

این‌ها شعار همه‌شان است، در دانشگاه‌هایشان تدریس می‌کنند در دبیرستان‌هایشان و حتی در دبستان‌هایشان به دانش آموزان می‌گویند شیعه‌ها صحابه را کافر می‌دانند. به روایات صحابه هم عمل نمی‌کنند؛ چون به روایت کافر عمل نمی‌کنند. حرف‌های این‌ها یا نشأت گرفته از جهل این‌ها است، یا نشأت گرفته از عناد این‌ها است.

اصلاً خیلی از موارد ما داریم که شیعه در کتاب‌های فقهی‌اش به روایات صحابه استناد می‌کند. البته این احتیاج به کار خیلی مفصل میدانی دارد، که ما بیابیم در کتاب‌های فقهی‌مان بینیم فقه‌های ما در چه مواردی به استناد روایت صحابه فتوا داده‌اند. این کار وقت زیاد می‌خواهد دوستانی که وقت دارند اولاً اسامی صحابه را داشته باشند، مخصوصاً آن صحابه‌ای را که مرحوم مامقانی آورده است یا همان دویست نفری را که علامه حلی آورده است.

اگر ما بتوانیم 10 - 15 یا 20 مورد را که فقه‌های ما فتوا داده‌اند استناداً به روایتی که فقط از طریق صحابه بوده است، اگر این‌ها استقصاء بشود کار خیلی خوبی است، البته ما روایات از حضرت امیر سلام الله علیه داریم این‌ها ملاک نیست. می‌گویند شما حضرت علی علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام را قبول دارید غیر از این‌ها از صحابه‌ای که مورد نظر این وهابی‌ها است آورده شود. مثلاً در خلاصة الایجاز شیخ مفید روایتی را در رابطه با نکاح متعه نقل می‌کند و در آن‌جا می‌گوید:

«وبه قال من الصحابة»

بعد ایشان می‌آورد که ابن عباس ، عبدالله ابن مسعود ، جابر ابن عبدالله، ابو سعید خدری ، سلمة ابن اکوع ، مغيرة بن شعبه ، اسماء بنت ابی بکر همگی این روایت را نقل کرده‌اند؛ یعنی در این‌ها مرحوم شیخ مفید دارد فتوا صادر می‌کند. می‌گوید این فتوایی که ما صادر می‌کنیم عده‌ای از صحابه این چنین گفته‌اند یعنی فتوای خودش را به اقوال صحابه استناد می‌دهد، یا در کتاب رسالة المتعة می‌گوید سیره صحابه این بوده است.

مرحوم شیخ طوسی در رابطه با:

«اللمس بشهوة»

الخلافة - الشيخ الطوسي - ج 4 ص 308

می‌گوید اللمس بشهوة حرام است

«وبه قال عمر بن الخطاب»

دیگر بهتر از این! مرحوم شیخ مفید فتوا صادر کرده استنادش نظر عمر بن خطاب است، شما که می‌گویید ما به روایت صحابه عمل نمی‌کنیم؛ پس این چیست؟

پرسش:

فتوا در مورد چیست؟

پاسخ:

فتوا در مورد لمس به شهوت که آیا حرام است یا حرام نیست؟ بوسیدن، لمس کردن و امثال این‌ها.

پرسش:

استاد! البته این « وبه قال عمر بن الخطاب » نظر اهل سنت را گفته است و برای ما هم در دو خط پایین گفته:

«دلیلنا : إجماع الفرقة وأخبارهم»

پاسخ:

بعد هم می‌گوید:

«وأيضا إجماع الصحابة»

در هر صورت اگر ما بتوانیم از این‌ها 10-15 مورد استقصاء بکنیم که فقهای ما به استناد نظر صحابه فتوا داده‌اند، دیگر مسئله کاملا تمام واضح و روشن است.

پرسش:

استاد! مستقلا نیست که به طور استقلالی استناد به فتوای صحابه کرده باشند.

پاسخ:

فرق نمی‌کند، استقلالی باشد یا استطرادی باشد، مگر می‌شود انسان استطرادا به روایت کفار عمل کند؟! بگوییم این حکم است کفار هم به این فتوا داده‌اند! اگر عقیده شیعه این است که صحابه کافر هستند این معنی ندارد؛ من 7-8 مورد از این قبیل را آورده‌ام مانند بحث سه طلاق در نزد اهل سنت، مانند جنگ و قتال با اهل رده و عمل صحابه را در این مورد آورده‌ام و نیز حکم کشتن عبد توسط شخص آزاده که حکم را مبنی بر اجماع صحابه می‌داند.

«وهو إجماع الصحابة وبه قال الشافعي»

دیگر نگفته دلیلنا فلان؛ یعنی به همین اجماع صحابه مرحوم شیخ طوسی استناد کرده است.

ما برای این که دهان این ها بسته بشود و اعتراضی نداشته باشند، چند موردی را ذکر کردیم.

بحث دیگری که در این جا هست اینکه ما تعداد افرادی که در جنگ جمل و جنگ صفین با امیرالمؤمنین سلام الله علیه بودند همه آن ها را جزء صحابه‌ی سالم و ثابت می‌دانیم و بر آن ها ترضی می‌کنیم و از آن ها طلب شفاعت داریم.

الا بعضی از افرادی که برگشتند مثل عبدالرحمن ابن ملجم مرادی و بعضی از خوارج و یا شمر که خودش جزء مجروحین جنگی جنگ صفین بوده است و عاقبتش آن شکلی شد.

شما ببینید حضرت امیرالمؤمنین سلام الله علیه می‌گوید:

«أین إخوانی الذین ركبوا الطريق ومضوا علی الحق ؟ أین عمار ؟ وأین ابن التیهان ؟ وأین ذو الشهادتین ؟
وأین نظراؤهم »

نهج البلاغة - خطب الإمام علي (ع) - ج 2 ص 109

مرحوم شیخ طوسی می‌گوید:

«شهد مع علي (علیه السلام) یوم الجمل ثمانون من أهل بدر»

هشتاد نفر از صحابه‌ای که در جنگ بدر بودند در جنگ جمل نیز در رکاب امیرالمؤمنین بودند.

الأمالی - الشيخ الطوسي - ص 726

وألف وخمس مائة من أصحاب رسول الله (صلی الله علیه وآله).

هزار و پانصد نفر از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم در جنگ جمل در رکاب امیرالمؤمنین علیه السلام بودند.

این عقیده شیعه است، آیا ما اینها را نستجیر بالله مرتد می‌دانیم؟! نه، اینها هم اگر در یک مسیر دیگری رفته بودند رفتار ما فرق می‌کرد، اینها همه برگشته‌اند ما برای اینها ترضی می‌کنیم توقع شفاعت از اینها داریم.

خود ذهبی می‌گوید:

«کان مع علی یوم وقعة الجمل ثمانمئة من الأنصار»

هشتصد نفر از انصار در جنگ جمل با امیرالمؤمنین علیه السلام بودند

تاریخ الإسلام، ج 3، ص 484، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی، دار النشر: دار الكتاب العربی - لبنان / بیروت - 1407 هـ - 1987 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. عمر عبد السلام تدمری، باب 5 خلافة علی رضی الله عنه

ما همه اینها را قبول داریم

«وأربعمئة ممن شهدوا بیعة الرضوان»

چهار صد نفر از کسانی که در بیعت رضوان بودند، در رکاب امیرالمؤمنین علیه السلام بودند. همچنین یک صد و سی نفر بدری و مجموعاً هفتصد نفر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه واله وسلم در رکاب امیرالمؤمنین علیه السلام بودند همه اینها را ما قبول داریم برای همه اینها ترضی می‌کنیم.

مسعودی می‌گوید:

«وکان جمیع من شهد معه من الصحابة ألفین وثمانمئة»

دو هزار و هشتصد نفر از صحابه در صفین در رکاب امیرالمؤمنین بودند

مروج الذهب، ج 1، ص 314، اسم المؤلف: أبو الحسن علی بن الحسین بن علی المسعودی (المتوفی: 346

هـ)، باب ذکر نسبه ولمع من أخباره وسیره نسبه وأخوته وأخواته

این‌ها یک چیزی است که مربوط به کتاب‌های ما نیست، مال خودتان است مسعودی را آقایان جزء فقهای شافعی می‌شمارند، گرچه بعضی‌ها می‌گویند شیعه بوده است. در هر صورت شیعه باشد و یا سنی باشد ما با مذهبش کاری نداریم ایشان می‌گویند دو هزار و هشتصد نفر از صحابه در رکاب امیرالمؤمنین علیه السلام در صفین بودند.

ما همه این‌ها را قبول داریم و برای همه‌شان ترضی می‌کنیم همه‌شان برای ما قابل احترام هستند در هر صورت این‌ها بحث‌هایی است که ما باید در جواب مباحثی که مطرح می‌شود داشته باشیم.

الآن شما ببینید یکی از ادله‌ای که امروز داعش و... در کشتن شیعیان جوان‌ها را تحریک می‌کنند همین قضیه صحابه است. می‌گویند شیعیان صحابه را قبول ندارند، این‌ها را کافر می‌دانند این جوان‌ها تحریک می‌شوند و در کشتن و انتحار و... سر از پا نمی‌شناسند.

من معتقدم دوستان این مطالب را هم در منبرهایشان بگویند و هم در جلسات مطرح کنند و هم در فضای مجازی اگر وبلاگ و سایتی دارند این‌ها مطرح بشود. در گروه‌ها و کانال‌ها این مسائل مطرح بشود و به گوش بچه شیعه‌های ما برسد که اگر این‌ها یک چنین حرفی را مطرح می‌کنند بچه‌های ما جواب داشته باشند. متأسفانه می‌بینیم بعضا حتی بزرگوارانی که تدریس و ادعا هم دارند زیاد در این حوزه اطلاعی ندارند چون مورد ابتلای آنها نبوده است.

پرسش:

این اعتقاد همه اهل سنت است که شیعه صحابه را قبول ندارد.

پاسخ:

تقریباً همه الا آنهایی که بخاطر تقیه قائل به وحدت هستند! اینها معمولاً حرفهایشان این است، یعنی تنها وهابیها نیستند من یک روزی اقوال بزرگان اهل سنت و حتی شافعی، ابوحنیفه، مالک را درباره شیعه خواهم آورد. انسان تعجب می کند که اینها چرا نسبت به شیعه این حرفهای بی اساس را می زنند، خیلی برای من درد آور است.

مثلاً شما ببینید در رابطه با مالک می گوید:

«ومن هذه الآية انتزع الإمام مالك بتكفير الروافض الذين يبغضون الصحابة قال لأنهم يغيضونهم ومن غاض الصحابة فهو كافر لهذه الآية»

تفسیر القرآن العظیم، ج 4، ص 205، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقي أبو الفداء الوفاة: 774 ، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1401

از قول شافعی می گوید:

«لم ار احدا من اصحاب الاهواء اكذب في الدعوى ولا اشهد بالزور من الرافضة»

از امام احمد نقل کرده اند:

«من شتم أخاف عليه الكفر مثل الروافض»

السنة ، ج 3، ص 493، اسم المؤلف: أبو بكر أحمد بن محمد بن هارون بن يزيد الخلال الوفاة: 311 هـ ، دار

النشر: دار الراية - الرياض - 1410هـ - 1989م ، الطبعة: الأولى ، تحقيق: د. عطية الزهراني

آیا کسی دیگر جا ماند؟! این‌ها که آدم‌های کمی نیستند هیچ‌کدام‌شان وهابی هم که نیستند.

بخاری می‌گوید:

«قال أبو عبد الله البخاري : وما أبالي صليت خلف الجهمي والرافضي ، أم صليت خلف اليهود والنصارى»

الأسماء والصفات، ج 2، ص 99، اسم المؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسرُوْجِردِي

الخراساني، أبو بكر البيهقي (المتوفى : 458هـ) الوفاة: 458 ، دار النشر :

ابوزرعه، احمد ابن يوسف عبدالقادر، ابن حزم، اسفرايني، ابوحامد غزالي، سمعاني، ابن تيميه، ابن كثير، ابوحامد مقدسی و ابو محاسن واسطی این تهمت‌ها را نسبت به شیعه دارند. همه این‌ها از استوانه‌های علمی اهل سنت هستند.

البته من 60-70 درصد این‌ها را مقصر می‌دانم 30-40 درصد هم ما مقصر هستیم ما حقایق را نتوانستیم خوب مطرح کنیم ما عقاید شیعه را شفاف برای مردم مطرح نکردیم.

من یک بحثی در رابطه با صلوات ائمه علیهم السلام داشتم خیلی‌ها می‌گفتند ما اصلاً این بحث را نشنیدیم حتی خودی‌هایمان! می‌گفتند ما اولین بار است که می‌شنویم مثلاً اقا امام سجاد سلام الله علیه می‌گوید:

«اللهم صل على محمد خاتم النبيين وتمام عدة المرسلين، وعلى آله الطيبين الطاهرين وأصحابه المنتجبين»

الصحيفة السجادية (ابطحي) - الإمام زين العابدين (ع) - ص 548

یا امام صادق علیه السلام به این شکلی صلوات می‌فرستد. ببینید مشکل مال ما است که این حقایق را در اختیار عموم مردم قرار ندادیم، بچه شیعه‌های ما هم خبر ندارند. عرض کردم 30-40 درصد ما مقصر هستیم، این‌ها را کاملاً دقت کنید ما امروز تکلیف واجب داریم شاید تکلیفش کمتر از نماز نیست بلکه بیش از نماز است چون این‌ها فتنه است.

«الفتنةُ اشدُّ من القتل»

چه بسا منجر به قتل می‌شود و ما باید این مطالب را در فضای مجازی در حد یک نماز واجب که مقید هستیم انجام بدهیم این مطالب را منتشر نکنیم و این‌ها را روشن نکنیم، بصیرت افزایی نکنیم که عقیده شیعه این نیست.

پرسش:

استاد! کسی که ولایت امیر المؤمنین علیه السلام را قبول نکند مشکل دارد حالا می‌گویید مشکل ندارد؟

پاسخ:

آن را هم باید یک مقدار روشن کنیم. در مورد ولایت امیر المؤمنین علیه اسلام، آیت‌الله العظمی خویی می‌گوید اگر برای کسی با دلیل ثابت بشود که امیر المؤمنین خلیفه بوده یعنی:

«ثبت بالدلیل الشرعی ولاية امیر المؤمنین فانکره فهو کافر»

کما این‌که:

«ثبت له بأن الصلاة مما ثبت بالشرع فانکره فهو کافر»

ولی اگر کسی شبهه دارد برای او از ادله ولایت امیر المؤمنین علیه السلام ثابت نشده است حالا یا:

«تقلیدا عن آبائهم»

یا:

«تقلیدا عن علمائهم»

ما برای آن‌ها تکفیر قائل نیستیم

ما می‌گوییم

«کل من ثبت له ولاية علي ابن ابيطالب بالشرع وثبت له أنه مما نزل على النبي فانكره»

شیعه باشد سنی باشد فرقی نمی‌کند آن شیعیانی که در لندن و جای دیگری رفتند و منکر امامت و عصمت امیر المؤمنین می‌شوند ما همه را از همین باب می‌دانیم. امثال سروش و گنجی و دیگران، برای ما که فرقی نمی‌کند اگر برای این‌ها ثابت شده باشد حکم جاری است چه صحابه باشد چه غیر صحابه باشد، ملاک برای ما این است اگر یک موضوعی برای کسی ثابت شد

«ثبت بالشرع»

یک موضوعی:

«جاء به النبي ثبت له، بعد ما ثبت له فانكر»

حکمش چیست؟ شما اصلاً ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را کنار بگذارید در رابطه با احکام دیگر، حکمش چیست؟ در دیگر مسائل هر حکمی مطرح می‌کنید در امامت هم همین‌طور است.

لذا مرحوم شیخ مفید می‌گوید:

«من انكر واحدا من الأئمة وجده»

کلمه جحد می‌آورد، جحد چیست؟ جحد انکار بعد از علم است.

(وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ)

سوره نمل (27): آیه 14

لذا بزرگان ما کاملاً به این مسئله دقت داشتند در کنار انکار واژه جحد را در آن جا آورده ولذا جحد برای کسی محرز بشود انکار بعد العلم باشد هر کس می خواهد باشد برای ما هیچ فرقی نمی کند حکم شرعی است.

«کل من جحد ما ثبت بالشرع فهو کافر»

این شیعه باشد سنی باشد صحابه باشد غیر صحابه باشد برای ما فرقی نمی کند و این همه صحابه ای که مرتد شدند حتی در زمان پیغمبر و بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله، سی چهل تا از اسامی شان را ما توانستیم به دست بیاوریم این ها را شما چه می گوئید؟

یا قتيله یکی از همسران پیغمبر که بعد از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله مرتد شد و بعد با عکرمه پسر ابوجهل ازدواج کرد! ام المؤمنین است! وقتی که:

« ثبت بأنها ارتدت »

شما می خواهید چه کار بکنید؟

پرسش:

قبل از ازدواج با پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم بوده؟

پاسخ:

در هر صورت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم عقد کرد به مجرد عقد جزو ام المؤمنین شده است.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته